

بررسی عوامل مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد با تأکید بر عوامل اجتماعی - فرهنگی

(مطالعه موردی: دیدگاه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۵/۰۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۳/۱۲

دکتر مهرداد نوابخش^۲

ابوذر محمدی^۱ (نویسنده مسئول)

از صفحه ۷۱ تا ۹۰

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی و شناخت مهم‌ترین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد است. در این تحقیق از روش پیمایشی و برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات بودند. همچنین، از روش نمونه‌گیری ترکیبی شامل نمونه‌گیری تصادفی ساده و سهمیه‌ای استفاده شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها و کدگذاری دقیق آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss آزمون‌های آماری متناسب با متغیرها برای آزمون فرضیه‌ها و سنجش میزان همبستگی بین آن‌ها انجام گرفت. در مورد رابطه بین تمایل دانشجویان به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد با متغیرهای مستقل اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، پایگاه اجتماعی، وضعیت تأهل، روحیه جمع‌گرایی، روحیه همکاری و مسئولیت‌پذیری فرضیه‌ها تأیید شدند. فرضیه‌های دال بر وجود رابطه بین تمایل دانشجویان به فعالیت در تشکل‌های مردمی با متغیرهای وضعیت اشتغال، سن و جنس رد شد. برای سنجش تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شد که ضریب

۱. دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی گرایش اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و

تحقیقات (نویسنده مسئول) aboozar.m20@gmail.com

۲. استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

..... بررسی عوامل مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد با تأکید بر عوامل اجتماعی-فرهنگی

تعیین ۰/۴۶ به دست آمد؛ یعنی، عوامل اجتماعی و فرهنگی دانشجویان در نظر گرفته شده در این تحقیق ۴۶٪ تغییرات تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد را تبیین می‌کند. سایر تغییرات تحت تأثیر عوامل ساختاری، سیاسی و اقتصادی است که در این تحقیق در نظر گرفته نشده‌اند. بر اساس نتایج به دست آمده از تحلیل مسیر در بین متغیرهای مستقل، متغیر اعتماد اجتماعی بیشترین اثر مستقیم و متغیر پایگاه اجتماعی بیشترین اثر غیرمستقیم را بر تمایل دانشجویان به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد دارد.

واژگان کلیدی: آگاهی شهروندی، تشکل‌های مردم‌نهاد، مشارکت اجتماعی.

مقدمه

سازمان‌های غیردولتی با آگاهی از مشکلات روزمره مردم می‌توانند پرده از بسیاری از نارسایی‌ها در سطح اجتماعی بردارند و بازتاب‌دهنده خوبی از فعالیت زندگی و معیشت مردم از یک سو و نحوه عملکرد، رفتار و نیز برنامه‌های دستگاه‌های دولتی از سوی دیگر باشند. این گونه سازمان‌ها با برخورداری از حمایت‌های مردمی می‌توانند در کنار دولت نقش آموزش‌دهنده داشته باشند و در بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی اثرگذار باشند. شاید بتوان گفت نهاد‌های مردمی بهترین مرجع برای دفاع از حقوق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم‌اند. امروزه، این واقعیت را بسیاری از دولت‌ها تأیید می‌کنند و موجبات گسترش سازمان‌های برخاسته از مردم را فراهم آورده است.

ارتباط نزدیک سازمان‌های غیردولتی با مردم و حضور عنصر تعهد و خلوص نیت، جایگاه ویژه‌ای را در نزد ملت‌ها به آن‌ها داده است. به همین دلیل، این سازمان‌ها را می‌توان در ارتباط با دولت و جامعه مدنی تقویت‌کننده جامعه مدنی به حساب آورد، چرا که دامنه فعالیت آن‌ها از امور امدادی، رفاهی و مذهبی گرفته تا دفاع از حقوق بشر، محیط زیست، توسعه علوم و فناوری و امور زنان و جامعه را دربرمی‌گیرد. چنانچه سازمان‌های غیردولتی را بنا بر ادعای خود، پیشگام در دگرگونی‌های اجتماعی بدانیم، بخشی از جامعه در کنار دولت و کانال ارتباطی بین مردم و حکومت و بازیگران مهم اثرگذار در مسائل آتی بین‌المللی محسوب خواهند شد. تجهیز امکانات دولتی و غیردولتی در جهت پیشبرد اهداف توسعه، اجرای پروژه‌ها به دور از دیوان‌سالاری دولتی، بسیج منابع انسانی و مادی، جلب مشارکت مردم، کمک به سازمان‌های محلی، رسیدگی به فقرا، خدمات‌رسانی به محرومان و درماندگان جامعه و تلاش در جهت امنیت اجتماعی از جمله نقش سازمان‌های غیردولتی است.

گسترش و تعمیق مشارکت‌های مردمی نیازمند سازماندهی، نهادسازی و ایجاد شرایط ساختاری مناسب است. مشارکت الزاماً در چارچوب سازمان‌ها و تشکل‌ها صورت نمی‌گیرد ولی تشکل‌ها و سازمان‌های مردمی آن را نهادینه می‌کنند. امروزه، ارتباط مردم با حکومت و دستگاه‌های دولتی از طریق تشکل‌های مردم‌نهاد (NGOs)^۱ صورت می‌گیرد. ویژگی‌هایی نظیر نداشتن وابستگی به دولت و ساختار دیوان‌سالارانه، داوطلبانه و دموکراتیک بودن آن‌ها را از سازمان‌های دولتی متمایز می‌کند. در حال حاضر، سازمان‌های غیردولتی سازمان‌ها و نهادهایی کارآمد و مکمل بخش دولتی در تأمین اهداف توسعه‌اند و جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. این سازمان‌ها به دلیل مردمی بودن، نفوذ اجتماعی قابل توجهی دارند و این امتیازی است که دستگاه‌های دولتی به راحتی قادر به کسب آن نیستند.

علت اصلی تشکیل سازمان‌های غیردولتی در نیاز قشرهای مختلف مردم نهفته است. در نبود تشکل‌های مردم‌نهاد، کانونی برای سازماندهی و هدایت مشارکت‌های مردمی وجود ندارد. در چنین شرایطی است

1. None Government Organizations

بررسی عوامل مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد با تأکید بر عوامل اجتماعی-فرهنگی.....

که فرهنگ فردگرایی به جای فعالیت‌های جمعی در زندگی مردم نهادینه می‌شود و سازمان‌های دولتی از رویکرد بالا به پایین در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری پیروی می‌کنند زیرا زمینه برای گسترش نهادهای مردمی و مشارکت مردم فراهم نشده است و در نتیجه مرجعی از طرف مردم برای نظارت و افشای عملکرد سازمان‌های دولتی وجود ندارد. در واقع، در این مقاله به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال هستیم که کدام عوامل اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری و گسترش تشکل‌های مردم‌نهاد نقش اساسی دارند؟

اهداف تحقیق

هدف کلی این تحقیق مطالعه و شناخت عوامل تأثیرگذار در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد در جامعه است. بر این اساس، اهداف جزئی تحقیق شامل موارد زیر است:

مطالعه و شناخت عوامل اجتماعی مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد در جامعه؛

مطالعه و شناخت عوامل فرهنگی مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد در جامعه؛

طرح پیشنهادی لازم جهت رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در جامعه به مسئولان و نهادهای مرتبط.

مبانی نظری

با مطالعه متون مربوط به NGOها به این نتیجه می‌رسیم که اتفاق نظر خاصی در این مورد وجود ندارد که چه نوع نهادهایی می‌توانند NGO باشند. بعضی صاحب‌نظران در غرب همه سازمان‌های غیرانتفاعی را در این جایگاه قرار می‌دهند. در این دیدگاه بنیادهای خیریه، اتحادیه‌های تجاری، NGOهای بین‌المللی و سازمان‌های محلی و مردمی وابسته به توده عوام NGO در نظر گرفته می‌شوند. بیشترین تلاش‌ها برای تعریف واژه NGO متمرکز بر این بوده که این سازمان‌ها قسمتی از حکومت نیستند و مستقل از آن‌اند یا گرایش غیرانتفاعی دارند. علاوه بر آن داوطلب‌گرایی در NGOS عنصری اساسی است که نه تنها برای عضویت بلکه مخصوصاً برای تدارک منابع اهمیت دارد.

NGOها سازمان‌های توسعه‌یافته‌تر هستند و همچنین قسمتی از خانواده بزرگ‌تری‌اند که سازمان‌های بخش سوم نامیده می‌شوند. این خانواده بزرگ شامل طیف وسیعی از سازمان‌هایی می‌شود که نه قسمتی از حکومت‌اند و نه برای سودآوری به وجود آمده‌اند. بخش سوم شامل مؤسسات، گروه‌های فشار، سازمان‌های مذهبی، اتحادیه‌های تجاری، کلوپ‌های تفریحی، نهادهای ابتکاری کمک‌کننده به جامعه و سازمان‌های خیریه است (Lewis, 2001: 20). اتحادیه اروپا سازمان‌های غیردولتی را جمعیت‌ها، جنبش‌ها یا گروه‌هایی می‌داند که با استقلال از دولت، بدون قصد منفعت‌طلبی، برای دفاع از منافع خاصی در حوزه‌های شغلی، اجتماعی، فرهنگی، تجاری، علمی، انسان‌دوستانه، مذهبی و جز آن تشکیل شده‌اند (زاهدی، ۱۳۸۸: ۲۴).

تنوع سازمان‌های غیردولتی بیان‌کننده تعاریف ساده و مشخصی از هر یک از آن‌هاست. این سازمان‌ها

مطالعات میان فرهنگی

شامل گروه‌های زیادی از نهادهایی است که کاملاً یا به طور وسیع مستقل از دولت‌اند و عمدتاً اهداف انسانی یا تعاونی دارند تا تجاری. این سازمان‌ها، آژانس‌های خصوصی در کشورهای صنعتی‌اند که از توسعه بین‌المللی حمایت می‌کنند؛ گروه‌های سازمان‌یافته درون‌زای منطقه‌ای یا ملی و گروه‌های عضوطلب در روستاها نیز از آن جمله‌اند. تشکل‌های مردم‌نهاد شامل انجمن‌های مذهبی و نیکوکاری است که به تجمیع امکانات مالی برای صندوق‌های خصوصی توسعه، گسترش دسترسی به خدمات، برنامه‌تنظیم خانواده و غذا و ارتقای سازمان‌یابی‌های اجتماعی می‌پردازند. همچنین، تشکل‌های مردم‌نهاد شامل تعاونی‌های مستقل، انجمن‌های اجتماعی، گروه‌های زنان و انجمن‌های روستایی است. گروه‌های شهروندی که با آگاهی‌رسانی بر تنظیم سیاست نفوذ دارند نیز سازمان غیردولتی محسوب می‌شوند (Lorgen, 1998, 325). سازمان‌های غیردولتی سازمان‌هایی با ابعاد و نظام‌های متنوع از جمله فردی، فرهنگی، مالی و سیاسی‌اند. ادغام آن‌ها با سازمان‌های بزرگ کمک‌رسانی در بهبود قدرت و ارتباط آن‌ها در هر یک از این ابعاد تأثیر قابل توجهی دارد. متون مدیریت در سازمان غیردولتی توجه ویژه‌ای به نظام‌های سازمانی، منابع انسانی، دانش و منابع مالی دارد (Nelson, 2006: 3).

درجه اشتراک اجتماعی در جامعه پیچیده به نیرو و دامنه نهادهای سیاسی و اجتماعی آن بستگی دارد. جامعه همین که از شرایط سنتی به مدرن گذر می‌کند، دامنه عظمتش گسترده‌تر، ساختارش پیچیده‌تر و فعالیت‌هایش متنوع‌تر می‌شود. به همین دلیل نیز حفظ سطح بالای اشتراک اجتماعی در آن بیش از پیش به نهادهای سیاسی و اجتماعی وابسته است. در جوامع ساده، اجتماع بدون نهادهای سیاسی و اجتماعی کاملاً تمایز یافته موجودیت خود را حفظ می‌کند، اما در جامعه‌ای پیچیده، اشتراک اجتماعی از طریق نهادهای سیاسی و اجتماعی، ایجاد و حفظ می‌شود و همین تحول است که در بسیاری از کشورهای رو به رشد تحقق نیافته است (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۲۷). به طور کلی، به نظر هانتینگتون و نلسون دو عامل در گسترش مشارکت در جوامع در حال توسعه مؤثر است:

۱. نگرش نخبگان سیاسی در قبال مشارکت که برای تشویق مشارکت مردم در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی یا محدود کردن آن‌ها از وسایل، منابع و امکانات زیادی برخوردارند.
۲. میزان آگاهی گروهی و انسجام اجتماعی در جامعه که بسته به اینکه سنت‌های زندگی جمعی (فعالیت در انجمن‌ها، نهادهای جمعی سنتی و نظایر آن‌ها) در جامعه چقدر گسترده و ریشه‌دار باشد، توسعه اقتصادی به نتایج کاملاً متفاوتی در زمینه گسترش مشارکت اجتماعی و سیاسی منجر می‌شود. در جوامعی که زندگی گروهی در آن‌ها زمینه و گسترش زیادی ندارد، نوسازی اجتماعی و اقتصادی معمولاً با کاهش مشارکت همراه بوده است (همان: ۵۳).

دال در کتاب درباره دموکراسی شرایط لازم و مطلوب برای ایجاد نهادهای مدنی و گسترش مشارکت را به شرح زیر بیان می‌کند:

نظارت مقام‌های منتخب بر عملکرد نیروهای نظامی؛

..... بررسی عوامل مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد با تأکید بر عوامل اجتماعی-فرهنگی

اعتقادات و فرهنگ سیاسی دموکراتیک؛

فقدان کنترل خارجی ضد دموکراتیک؛

وجود اقتصاد مدرن مبتنی بر بازار و جامعه مدرن؛

نبود تکثر در میان خرده‌فرهنگ‌ها.

به نظر او مشارکت نیازمند فضای دموکراتیک و غیرمتمرکز است. در شرایط ساختی غیرمتمرکز و دموکراتیک است که مشارکت در رفتار، زندگی و روابط اجتماعی مردم نهادینه می‌شود (دال، ۱۳۷۹: ۱۸۴). به نظر دال، در آمریکا بی‌علاقگی به سیاست، از خود بیگانگی، بی‌اعتنایی، فقدان اعتماد و احساس مفید نبودن و بیهودگی در میان فقرا، سیاهان و بسیاری از اقشار دیگر موانعی بر سر راه مشارکت مؤثر مردم به وجود می‌آورد.

رابرت دال بر پدیده گرایش و عدم‌گرایش افراد به مشارکت اجتماعی-سیاسی توجه دارد. وی با تأکید بر متغیرهای بیگانگی اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌معنایی و مانند آن، عواملی را برمی‌شمرد که به تصمیم فرد برای مشارکت یا عدم مشارکت وی منجر می‌شود (آرکلگ، ۱۳۷۹: ۱۴۲).

لیپیست در دو سطح توصیف و تبیین، مدل نسبتاً جامعی را از عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت ارائه داده و بر اساس یافته‌های پژوهشی در کشورهای مختلف نتیجه‌گیری می‌کند که مردان بیش از زنان رفتار مشارکتی در انتخابات دارند. همچنین، افراد بیشتر آموزش دیده بیش از کمتر آموزش دیده‌ها، شهرنشینان بیش از روستاییان، میانسالان (۳۵-۵۵) بیش از جوانان و پیران، متأهلان بیش از مجردان، افراد دارای منزلت بالا بیش از افراد با منزلت پایین و اعضای سازمان‌ها بیش از غیرعضوها در انتخابات شرکت می‌کنند. به‌طور کلی، در بین کسانی که تعلیم و تربیت بهتری یافته‌اند، برخی گروه‌های شغلی و درآمدی بالا، سنین متوسط، گروه‌های مذهبی مسلط به مردان در مقابل زنان، شهرنشینان، اعضای انجمن‌ها و مؤسسات اداری تمایل به مشارکت بیشتر دارد. بنابه مطالعات لیپیست گروه‌های درآمدی بالا اغلب، نه تنها تحصیلات بیشتر و دیدگاهی وسیع دارند بلکه فعالیت‌های شغلی آن‌ها به گسترش اطلاعات آن‌ها تداوم می‌بخشد. در حالی که کارمندان و صاحبان مشاغل یدی فرصت ناچیزی برای کسب اطلاعات و دیدگاهی وسیع در اختیار دارند، از این نظر زنان خانه‌دار نیز که در شبکه ارتباطات اجتماعی محدود خود دسترسی به اطلاعات کمتری دارند در وضع نامساعدی قرار می‌گیرند که میزان پایین مشارکت زنان را تا حدی توضیح می‌دهد (لیپیست، ۱۳۷۳: ۱۹۸).

بدین ترتیب، در مدل لیپیست متغیرهایی که به توضیح رفتار مشارکتی (غالباً سیاسی) کمک می‌کنند، عمدتاً اجتماعی‌اند. میزان تعلیم و تربیت، گروه‌های شغلی، منزلت اجتماعی-اقتصادی، تعلقات مذهبی، عضویت در سایر گروه‌ها و سازمان‌ها، دسترسی به اطلاعات و هم‌نوابی با هنجارها و تحت تأثیر فشارهای گروهی از جمله مهم‌ترین متغیرهای این مدل‌اند که در زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی و سیاسی متفاوت میزان همبستگی آن‌ها با رفتار مشارکتی متفاوت است (همان: ۲۰۰-۱۷۲).

به نظر دورکیم، به‌وجود آمدن نهادها و سازمان‌های مدنی و صنفی موجب گسترش مشارکت اجتماعی و

مطالعات میان‌فرهنگی

اقتصادی بین گروه‌های اجتماعی می‌شود. همچنین، او معتقد است مناسک مذهبی هم باعث افزایش مشارکت در میان مردم می‌شود و هم در نوسازی روح جمعی جامعه مؤثر است. به نظر او هر اندازه گردهمایی‌های منظم بر محور آرمان‌ها بیشتر شود، مشارکت‌ها فزونی می‌یابد و از خودسری و خودمداری کاسته می‌شود. او در تبیین عوامل انسجام اجتماعی علاوه بر اینکه جبر بیرونی را لازم می‌داند تا به تدریج عوامل آن بیرونی شود، شرایط تحقق آن را بیشتر در خارج از فرد جستجو می‌کند. جنبه‌های ارزشی قواعدی و تشریفاتی هم در کار است. برای مثال، برای مشارکت اجتماعی، ارزش‌هایی باید در میان باشند و برای تسری دادن آن جاذبه‌های ارزش‌های مزبور باید همواره تقویت گردد. آنگاه قواعد و مقررات مقتضی مشارکت مزبور تهیه و تأکید گردد. پس باید مجموعه احساس، عواطف، افکار و معارف به منزله اهرم مشارکت بسیج گردند تا وجدان جمعی را موافق مشارکت اجتماعی کنند (ترنر و بیگلی، ۱۳۷۵: ۴۳۷). به نظر او مناسک از جمله مناسک مذهبی هم در رفع موانع و مشکلات مشارکت مؤثر است و هم در نوسازی روح جمعی. نهادهای مدنی زمینه را برای مشارکت جمعی افراد و تقویت اخلاق مدنی و انسجام جمعی عام فراهم می‌سازد. همچنین، میل به شکل‌گیری زیرگروه‌ها حول نقش‌ها و کارکردهای تخصصی موجب مقابله با اقتدارگرایی مؤثر می‌شود و توازن قدرت را به وجود می‌آورد. در حقیقت، می‌توان نظریه دورکیم را یکی از مبانی شکل‌گیری نهادهای مردمی بر اساس تقسیم کار اجتماعی و نقش مذهب در ایجاد روحیه وجدان جمعی و همبستگی اجتماعی استفاده کرد.

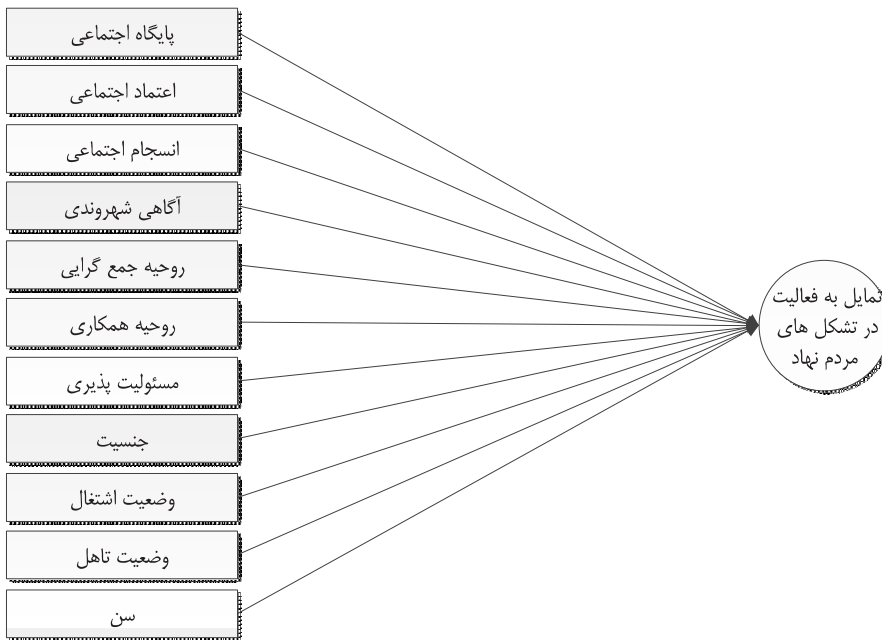
پارسونز در تحلیل انسجام در سطح نظام اجتماعی به کنش‌های اظهاری اشاره کرده و معتقد است هرگاه در موقعیت‌های اجتماعی کنش‌های اظهاری خود، معطوف به دیگران باشد، به نوعی همکاری و انسجام می‌انجامد و هرگاه این انسجام نهادینه باشد می‌توان آن را همبستگی نامید. سطح بالای انسجام زمانی است که کنش‌های افراد اخلاقی و معطوف به جمع باشد. در این کنش‌ها مسئولیت و وفاداری در قبال دیگران به حد‌اعلی خود می‌رسد (Parsons and Robert, 1955: 28). بر این اساس می‌توان گفت که انسجام اجتماعی به طور مستقیم بر انجام فعالیت‌های داوطلبانه و شکل‌گیری تشکل‌های مردمی در جامعه تأثیر دارد. این‌گلهارت با مطالعه نوسازی اجتماعی و فرهنگی در جامعه غرب افزایش مشارکت در آن جوامع را با سه عامل ارتقای سطح تحصیلات و آگاهی سیاسی تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زمان و تغییر در اولویت‌های ارزشی مرتبط دانسته است که بر نیازهای آنی و طبیعی تأکید کمتری دارد و بر حق اظهار نظر تأکید می‌ورزد. به نظر وی متغیرهای تحصیلات رسمی، موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات، مهارت‌های ارتباطی، تجربه‌های شغلی، شبکه‌های سازمانی تقلیل تفاوت‌های جنسی در وظایف اجتماعی و سیاسی بر افزایش مشارکت تأثیر دارند (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۴۷). به نظر کائوتری مشارکت وجود نخواهد داشت، مگر آنکه فرد بتواند با اطلاع کامل از واقعیات تصمیم بگیرد. تجربه نشان داده است نهادهای مشارکتی در صورتی غیر مؤثرند که اشخاص مورد نظر کمترین مهارت و قدرت قضاوت برای اتخاذ تصمیم‌های لازم را داشته باشند (کائوتری و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۴۷).

بررسی عوامل مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد با تأکید بر عوامل اجتماعی-فرهنگی

سازمان‌ها و انجمن‌های برخاسته از اراده و خواست مشارکت‌جویانه شهروندان، موفقیت زیادی در فراهم آوردن بسته‌های مناسب برای مشارکت اجتماعی فراهم می‌آورند، چرا که از یک طرف از طریق جلب همکاری افراد در محدوده نظام اجتماعی، زمینه اتصال هر چه بیشتر آنها به جامعه فراهم می‌آید و مشارکت فرد در امور اجتماعی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، با بسط شبکه‌های اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی به گسترش مشارکت فعالانه و داوطلبانه افراد جامعه کمک می‌کند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۹۰).

مدل مفهومی تحقیق

هر تحقیقی الگو، مدل یا انگاره دارد که این الگو رابطه بین متغیرهای تحقیق را در قالب یک شکل برای ما بیان می‌کند. این الگو به ما کمک می‌کند تا رابطه بین متغیرهای علت و معلول را بهتر درک کنیم. همچنین، عمل فرضیه‌سازی را آسان‌تر انجام دهیم. با توجه به متغیرهای تحقیق، الگوی نظری تحقیق در شکل ۱ نشان داده شده است. در این مدل متغیر تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد در نظر گرفته شده‌اند.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

۱. پایگاه اجتماعی دانشجویان در تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد تأثیر دارد.
۲. میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان در تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد تأثیر دارد.
۳. میزان انسجام اجتماعی دانشجویان در تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد تأثیر دارد.
۴. میزان آگاهی شهروندی دانشجویان در تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد تأثیر دارد.
۵. میزان روحیه جمع‌گرایی دانشجویان در تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد تأثیر دارد.
۶. میزان مسئولیت‌پذیری دانشجویان در تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد تأثیر دارد.
۷. میزان روحیه همکاری دانشجویان در تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد تأثیر دارد.
۸. بین جنسیت دانشجویان و تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد رابطه وجود دارد.
۹. بین وضعیت تأهل دانشجویان و تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد رابطه وجود دارد.
۱۰. بین وضعیت اشتغال دانشجویان و تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد رابطه وجود دارد.
۱۱. سن دانشجویان در تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد تأثیر دارد.

روش تحقیق

این تحقیق به روش پیمایشی انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شد. این پرسشنامه بر اساس متغیرهای برآمده از مدل مفهومی، فرضیه‌ها و سؤال‌های تحقیق طراحی شده است. برای سنجش اعتبار پرسشنامه از نظر اساتید جامعه‌شناسی استفاده کرده‌ایم و پس از اعلام نظر ایشان جهت سنجش پایایی ۴۰ پرسشنامه را دانشجویان تکمیل کردند. آلفای کرونباخ ۰/۹۲ به دست آمد. لذا، پایایی پرسشنامه در حد قابل قبول است. در ادامه، این پرسشنامه را پاسخگویان تکمیل کردند و اطلاعات لازم جمع‌آوری شد. پس از کدگذاری سؤال‌ها، پاسخ‌ها وارد نرم‌افزار آماری SPSS شد. در نهایت، با توجه به نوع متغیرها و راهنمایی اساتید، مناسب‌ترین آماره جهت آزمون فرضیه‌ها انتخاب شد. به دلیل اینکه متغیرها در سطح رتبه‌ای سنجیده شده بودند، همچنین با توجه به اینکه تعداد مقوله‌ها کم و حجم نمونه نسبتاً زیاد بود (۳۸۴ نفر)، برای آزمون فرضیه‌ها از ضریب همبستگی گاما استفاده شد. علاوه بر این، جهت آزمون فرضیه‌ها و افزایش اعتبار علمی تحقیق از ضریب همبستگی تاوسی کندال نیز استفاده شده که نتایج آن در ادامه آمده است. البته، در بعضی موارد که متغیر مستقل در سطح اسمی سنجیده شده بود از آزمون U من ویتنی استفاده شده است. تمامی این آزمون‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS انجام شده است.

جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۸۹ بود. واحد شمارش در این پژوهش فرد است که این فرد هر یک از دانشجویان

بررسی عوامل مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد با تأکید بر عوامل اجتماعی-فرهنگی

این دانشگاه می‌تواند باشد. تعداد دانشجویان در این سال بر اساس آمار مرکز آمار و اطلاعات دانشگاه ۴۶۶,۲۸ نفر بود. روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای به این صورت استفاده شد که از میان بیست دانشکده موجود پنج دانشکده به طور تصادفی انتخاب شدند (نمونه‌گیری تصادفی ساده). سپس، با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای، سهم هر دانشکده با توجه به تعداد دانشجویان هر دانشکده و جنسیت آن‌ها مشخص شد. در نهایت، با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، دانشجویان هر دانشکده انتخاب شدند. برای برآورد حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد که بر اساس این فرمول حجم نمونه ۳۸۴ به دست آمد.

یافته‌های تحقیق

آزمون فرضیات

فرضیه اول. چون هر دو متغیر در سطح رتبه‌ای سنجیده شده‌اند، همچنین از آنجا که متغیر تمایل به فعالیت در NGOها پنج مقوله و متغیر پایگاه اجتماعی سه مقوله دارد و حجم نمونه زیاد است (۳۸۴ نفر)، مناسب‌ترین آماره برای سنجش میزان همبستگی بین این دو متغیر تاوسی کندال و گاماست (گودرزی، ۱۳۸۸: ۲۷۸-۲۹۷). نتایج این آزمون در جدول ۱ آمده است. با توجه به جدول ۱، رابطه بین دو متغیر در سطح ۰/۹۹ معنادار است زیرا مقدار سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است. آماره تاوسی کندال مقدار همبستگی ۰/۱۷۸ و آماره گاما مقدار ۰/۳۵۶ را نشان می‌دهد. معمولاً آماره تاوسی کندال به کمتر نشان دادن همبستگی واقعی تمایل دارد و آماره گاما معمولاً بیشتر از مقدار همبستگی واقعی را نشان می‌دهد. بنابراین، می‌توان همبستگی واقعی را عددی بین این دو مقدار یعنی ۰/۲۶۷ در نظر گرفت. لذا، نتیجه می‌گیریم که همبستگی بین این دو متغیر متوسط و جهت آن مستقیم است؛ یعنی، دانشجویانی که پایگاه اجتماعی آنان بالاتر است بیشتر تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردمی دارند.

جدول ۱. آزمون بین متغیرهای فعالیت در تشکل‌های مردمی و پایگاه اجتماعی

سطح معناداری	خطای استاندارد	مقدار	
۰/۰۰۰	۰/۰۴۰	۰/۱۷۸	تاوسی کندال
۰/۰۰۰	۰/۰۷۵	۰/۳۵۶	گاما
		۳۵۲	تعداد پاسخگویان

فرضیه دوم. این فرضیه تأیید شد. با توجه به نتایج آزمون ملاحظه می‌شود که مقدار سطح معناداری

مطالعات میان فرهنگی

کمتر از ۰/۰۱ است. بنابراین، با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. تاوسی کندال ۰/۳۶۵ و گاما ۰/۵۲ به دست آمده است. این نشان می‌دهد که نخست همبستگی آن‌ها نسبتاً زیاد است. دوم، رابطه بین آن‌ها مستقیم است؛ یعنی، هرچه قدر اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان بیشتر باشد، تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردمی نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۲. آزمون بین متغیرهای فعالیت در تشکل‌های مردمی و اعتماد اجتماعی

سطح معناداری	خطای استاندارد	مقدار	
۰/۰۰۰	۰/۰۴۱	۰/۳۶۵	تاوسی کندال
۰/۰۰۰	۰/۰۵۴	۰/۵۲۰	گاما
		۳۶۵	تعداد پاسخگویان

فرضیه سوم. برای آزمون این فرضیه از آزمون گاما و تاوسی کندال استفاده شد. نتایج آزمون در جدول ۳ نشان می‌دهد سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ است. بنابراین، با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که بین این دو متغیر رابطه معنادار وجود دارد. مقدار ضریب گاما ۰/۵۳۵ و مقدار تاوسی کندال ۰/۳۷۴ به دست آمد که دلالت بر همبستگی نسبتاً زیاد بین دو متغیر دارد و رابطه بین آن‌ها مستقیم است؛ یعنی، با افزایش انسجام اجتماعی در بین دانشجویان، تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردمی افزایش می‌یابد.

جدول ۳. آزمون بین متغیرهای فعالیت در تشکل‌های مردمی و انسجام اجتماعی

سطح معناداری	خطای استاندارد	مقدار	
۰/۰۰۰	۰/۰۳۹	۰/۳۷۴	تاوسی کندال
۰/۰۰۰	۰/۰۵۲	۰/۵۳۵	گاما
		۳۷۱	تعداد پاسخگویان

فرضیه چهارم. این فرضیه تأیید شد. مقدار ضریب گاما ۰/۴۸۷ و مقدار تاوسی کندال ۰/۳۵۱ به دست آمد که دلالت بر همبستگی نسبتاً زیاد بین دو متغیر دارد و رابطه بین آن‌ها مستقیم است؛ یعنی، با افزایش آگاهی شهروندی در بین دانشجویان، تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردمی افزایش می‌یابد.

..... بررسی عوامل مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد با تأکید بر عوامل اجتماعی-فرهنگی

جدول ۴. آزمون بین متغیرهای فعالیت در تشکل‌های مردمی و آگاهی شهروندی

سطح معناداری	خطای استاندارد	مقدار	
۰/۰۰۰	۰/۰۳۸	۰/۳۵۱	تاوسی کندال
۰/۰۰۰	۰/۰۴۹	۰/۴۸۷	گاما
		۳۷۱	تعداد پاسخگویان

فرضیه پنجم. این فرضیه تأیید شد. با توجه به جدول ۵ ملاحظه می‌شود که رابطه بین این دو متغیر در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است، زیرا مقدار سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ است. از طرفی، چون مقدار گاما ۰/۳۴۳ و مقدار تاوسی کندال ۰/۲۴۹ است، بنابراین میزان همبستگی بین آن‌ها ۰/۲۹ و رابطه بین آن‌ها مستقیم است؛ یعنی، هر چقدر روحیه جمع‌گرایی دانشجویان افزایش یابد، به همان میزان تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردمی نیز در آن‌ها افزایش می‌یابد.

جدول ۵. آزمون بین متغیرهای فعالیت در تشکل‌های مردمی و روحیه جمع‌گرایی

سطح معناداری	خطای استاندارد	مقدار	
۰/۰۰۰	۰/۰۴۳	۰/۲۴۹	تاوسی کندال
۰/۰۰۰	۰/۰۵۸	۰/۳۴۳	گاما
		۳۷۱	تعداد پاسخگویان

فرضیه ششم. این فرضیه تأیید شد. با توجه به جدول ۶ ملاحظه می‌شود که رابطه بین دو متغیر در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است، زیرا مقدار $0/05 <$ سطح معناداری است. از طرفی، چون مقدار گاما ۰/۴۹۲ و مقدار تاوسی کندال ۰/۳۴۹ است، بنابراین می‌توان گفت رابطه بین دو متغیر مسئولیت‌پذیری و تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردمی رابطه‌ای مستقیم و در حد نسبتاً زیاد است؛ یعنی، دانشجویانی که مسئولیت‌پذیرترند بیشتر تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردمی دارند.

مطالعات میان فرهنگی

جدول ۶. آزمون بین متغیرهای فعالیت در تشکل‌های مردمی و مسئولیت‌پذیری

سطح معناداری	خطای استاندارد	مقدار	
۰/۰۰۰	۰/۰۴۲	۰/۳۴۹	تاوسی کندال
۰/۰۰۰	۰/۰۵۵	۰/۴۹۲	گاما
		۳۷۲	تعداد پاسخگویان

فرضیه هفتم. با توجه به جدول ۷ ملاحظه می‌شود که رابطه بین دو این متغیر در سطح ۰/۹۹ معنادار است، زیرا سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ است. از طرفی، چون مقدار گاما ۰/۵۳۷ و مقدار تاوسی کندال ۰/۳۸۹ است، لذا می‌توان گفت همبستگی بین آن‌ها نسبتاً قوی و مستقیم است؛ یعنی، هر چقدر روحیه همکاری دانشجویان قوی‌تر باشد، تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردمی در آن‌ها افزایش می‌یابد.

جدول ۷. آزمون بین متغیرهای فعالیت در تشکل‌های مردمی و روحیه همکاری

سطح معناداری	خطای استاندارد	مقدار	
۰/۰۰۰	۰/۰۴۱	۰/۳۸۹	تاوسی کندال
۰/۰۰۰	۰/۰۵۳	۰/۵۳۷	گاما
		۳۷۴	تعداد پاسخگویان

فرضیه هشتم. فعالیت در تشکل‌های مردمی متغیر وابسته و در سطح رتبه‌ای سنجیده شده است و متغیر جنسیت مستقل است و در سطح اسمی (دو شقی) سنجیده شده است. بنابراین، ابتدا با استفاده از آزمون U من‌ویتنی رابطه معناداری بین دو متغیر را آزمون می‌کنیم. با توجه به جدول ۸، سطح معناداری ۰/۱۷۱ به دست آمد و این مقدار بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. لذا فرض معنادار بودن رابطه بین دو متغیر فعالیت در تشکل‌های مردمی و جنسیت رد می‌شود؛ یعنی، بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معناداری برای تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردمی وجود ندارد.

..... بررسی عوامل مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد با تأکید بر عوامل اجتماعی-فرهنگی

جدول ۸. آزمون U من‌ویتنی برای جنسیت و فعالیت در تشکل‌های مردمی

مقدار	
۱۶۱۸۳/۰۰۰	آزمون U من‌ویتنی
-۱/۳۷۰	آزمون Z
۰/۱۷۱	سطح معناداری

فرضیه نهم. با ترکیب طبقات متغیر وضعیت تأهل، متغیری دو شقی ساخته‌ایم که دو طبقه مجرد و متأهل را شامل می‌شود. برای این کار افراد مطلقه و همسر فوت‌شده‌ها را در طبقه مجردها قرار داده‌ایم. چون متغیر مستقل اسمی دو شقی و متغیر وابسته در سطح رتبه‌ای سنجیده شده است، از آزمون U من‌ویتنی استفاده کرده‌ایم که مناسب‌ترین آزمون است (جدول ۹).

جدول ۹. آزمون بین متغیرهای وضعیت تأهل و فعالیت در تشکل‌های مردمی

مقدار	
۱۰۶۴۲/۰۰۰	آزمون U من‌ویتنی
۲/۴۴۲	آزمون Z
۰/۰۱۵	سطح معناداری

با توجه به جدول ۹، $0/05 < \text{سطح معناداری} < 0/01$. لذا، نتیجه می‌گیریم که این آزمون در سطح ۹۹٪ معنادار نیست ولی در سطح ۹۵٪ معنادار است؛ یعنی، با ۹۵٪ اطمینان می‌توانیم بگوییم بین وضعیت تأهل و فعالیت در تشکل‌های مردمی رابطه وجود دارد.

فرضیه دهم. با توجه به اینکه متغیر مستقل یعنی وضعیت اشتغال در سطح اسمی سنجیده شده و دو مقوله شاغل و بیکار را شامل می‌شود و متغیر وابسته یعنی فعالیت در تشکل‌های مردمی در سطح رتبه‌ای سنجیده شده، لذا برای آزمون فرضیه از آماره U من‌ویتنی استفاده شد. با توجه به جدول ۱۰، سطح معناداری ۰/۰۹۶ و بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است. لذا، فرض معنادار بودن رابطه بین دو متغیر فعالیت در تشکل‌های مردمی

مطالعات میان فرهنگی

و وضعیت اشتغال رد می شود؛ یعنی، شاغل یا بیکار بودن دانشجویان تأثیری در تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردمی ندارد.

جدول ۱۰. آزمون U من‌ویتنی برای وضعیت اشتغال و فعالیت در تشکل‌های مردمی

مقدار	
۱۳۷۰۵/۰۰۰	آزمون U من‌ویتنی
-۱/۶۶۶	آزمون Z
۰/۰۹۶	سطح معناداری

فرضیه یازدهم. متغیر سن به صورت فاصله‌ای است، زیرا در پرسشنامه سن دانشجویان پرسیده شده است و متغیر دیگر در سطح رتبه‌ای، کم‌طبقه است. لذا، برای آزمون معناداری از آزمون F استفاده می‌کنیم (دواس، ۱۳۸۵: ۱۹۵). با توجه به جدول ۱۱، مقدار سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ است. لذا، نتیجه می‌گیریم بین سن دانشجویان و میزان تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردمی رابطه وجود ندارد.

جدول ۱۱. آزمون F بین سن دانشجویان و فعالیت در تشکل‌های مردمی

مدل	درجه آزادی	F	سطح معناداری
مقدار	۱	۲/۵۲	۰/۱۱۳

تحلیل رگرسیون

در اینجا متغیر تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد را متغیر وابسته و مجموعه متغیرهای اعتماد اجتماعی، پایگاه اجتماعی، روحیه جمع‌گرایی، آگاهی شهروندی، انسجام اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و روحیه همکاری را متغیرهای مستقل وارد تحلیل رگرسیونی کرده‌ایم. از آنجا که تعداد متغیرهای مستقل بیشتر از سه مورد است، از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده می‌کنیم. علاوه بر این، متغیرهای مستقل و متغیر وابسته در سطح رتبه‌ای سنجیده شده‌اند، لذا از تحلیل رگرسیون ظاهری استفاده کرده‌ایم. این کار با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. با توجه به جدول ۱۲، مقدار همبستگی متغیر وابسته با مجموعه متغیرهای مستقل ۰/۶۸ است؛ یعنی $R^2 = 0.68$ و ضریب تعیین ۰/۴۶ به دست آمد. این بدان معناست که بیش از ۴۶٪ تغییرات تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد را این متغیرهای مستقل تبیین می‌کنند که در بالا آمده است. بقیه تغییرات متغیر

بررسی عوامل مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد با تأکید بر عوامل اجتماعی-فرهنگی

وابسته را عواملی از قبیل ساختارهای سیاسی حاکم بر جامعه، عوامل تاریخی و مذهبی و روابط درون‌سازمانی و برون‌سازمانی این تشکل‌ها تبیین می‌کنند.

جدول ۱۲. تحلیل رگرسیون چندگانه تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد

ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R ^۲	تغییرات F	درجه آزادی	سطح معناداری
۰/۶۸۰	۰/۴۶۳	۴۰/۲۴۱	۷	۰/۰۰۰

در جدول ۱۳، در ستون t آزمون معناداری رابطه بین متغیر وابسته با هر یک از متغیرهای مستقل و در ستون بعدی سطح معناداری آزمون t آمده است. با توجه به آن ملاحظه می‌شود که رابطه بین دو متغیر مسئولیت‌پذیری و روحیه جمع‌گرایی با متغیر وابسته معنادار نیست، زیرا مقدار سطح معناداری آن‌ها بیشتر از ۰/۰۵ است. بنابراین، این دو متغیر را حذف می‌کنیم و با سایر متغیرهای این جدول معادله رگرسیونی نوشته می‌شود. در این معادله ضرایب معادله رگرسیونی، یعنی Bi، و مقدار عرض از مبدأ مشخص شده است که با استفاده از این مقادیر می‌توان معادله رگرسیونی را نوشت. علاوه بر این، مقادیر ضرایب استاندارد شده در جدول ۱۳ آمده است که با استفاده از آن‌ها می‌توان معادله استاندارد شده را نوشت.

معادله رگرسیون

$$y = -6/47 + 0/36 \text{ اعتماد اجتماعی} + 0/36 \text{ روحیه همکاری} + 0/30 \text{ انسجام اجتماعی} + 0/30 \text{ آگاهی اجتماعی} + 0/36 \text{ پایگاه اجتماعی}$$

معادله استاندارد شده

$$y = 0/23 \text{ اعتماد اجتماعی} + 0/15 \text{ روحیه همکاری} + 0/17 \text{ انسجام اجتماعی} + 0/16 \text{ آگاهی اجتماعی} + 0/12 \text{ پایگاه اجتماعی}$$

جدول ۱۳. ضرایب رگرسیونی

متغیرها	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	مقدار t	سطح معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta		
ضریب ثابت	۴۶۷/-۶	۵۷۱/۱		۱۱۵/۴-	۰۰۰۰/
پایگاه اجتماعی	۰۲۴۱/	۰۰۸۹/	۰۱۱۸/	۷۰۴/۲	۰۰۰۷/
آگاهی اجتماعی	۰۲۹۷/	۰۰۹۲/	۰۱۶۲/	۲۲۳/۳	۰۰۰۱/
انسجام اجتماعی	۰۲۹۹/	۰۰۸۴/	۰۱۷۴/	۵۷۲/۳	۰۰۰۰/
روحیه همکاری	۰۳۰۴/	۰۱۱۰/	۰۱۵۳/	۷۶۵/۲	۰۰۰۶/
مسئولیت پذیری	۰۱۸۴/	۰۱۰۶/	۰۰۹۰/	۷۳۹/۱	۰۰۸۳/
روحیه جمع گرایی	۰۱۳۳۷	۰۰۹۰/	۰۰۷۳/	۵۱۴/۱	۰۱۳۱/
اعتماد اجتماعی	۰/۲۶۳	۰/۰۷۸	۰/۲۲۶	۴/۶۵۲	۰/۰۰۰

تحلیل مسیر

از آنجا که در تحلیل رگرسیونی برای نشان دادن روابط بین متغیر وابسته، با متغیرهای مستقل تنها از یک معادله استفاده می‌شود و فقط رابطه مستقیم متغیرهای مستقل با متغیر وابسته را سنجش می‌کند، برای مشخص شدن رابطه غیرمستقیم و مستقیم متغیرهای مستقل با متغیر وابسته از تحلیل مسیر استفاده می‌کنیم، که در آن روابط بین متغیرها در قالب مدل علی (روابط علت و معلولی) همراه با ضرایب مسیر، B_i ، ترسیم می‌شود. نمودار تحلیل مسیر همراه با ضرایب مسیر در شکل ۲ آماده است. بر این اساس می‌توان آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر متغیر وابسته را محاسبه کرد. برای مثال، تأثیر غیرمستقیم و مستقیم پایگاه اجتماعی دانشجویان بر متغیر تمایل به فعالیت در NGOها به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$SS = ۳۱P۸۳P + ۵۱P۸۵P + ۳۱P۵۳P۸۵P + ۷۱P۸۷P + ۲۱P۶۲P۷۶P۸۷P + ۴۱P۷۴P۸۷P$$

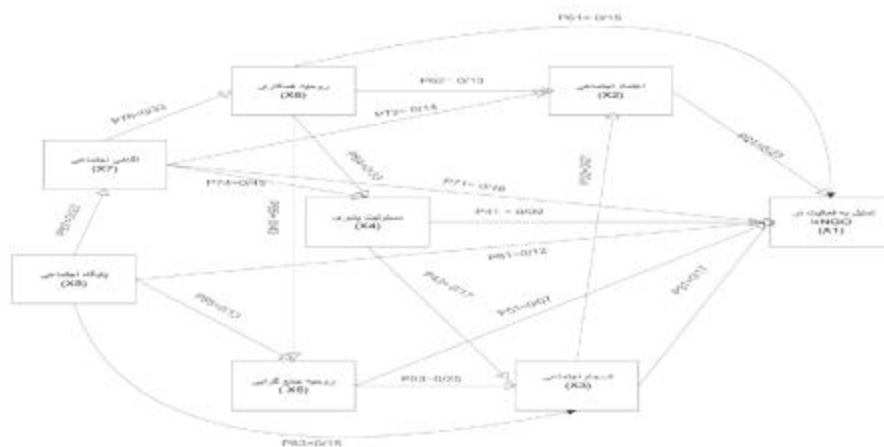
$$SS = ۰/۱۲۳ = ۰/۰۲۵۵ + ۰/۰۴۳۷ + ۰/۰۰۵۵ + ۰/۰۳۶۸ + ۰/۰۰۲۲ + ۰/۰۰۹۳$$

$$SS = ۰/۲۴۶ = ۰/۱۲۳ + ۰/۱۲ \quad SS = ۸۱P = ۰/۱۲ \quad SS = ۰/۱۲۳$$

همچنین، با توجه به مدل تحلیل مسیر نتیجه می‌شود که در بین متغیرهای مستقل، متغیر اعتماد اجتماعی بیشترین اثر مستقیم و متغیر پایگاه اجتماعی بیشترین اثر غیرمستقیم را بر تمایل دانشجویان به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد دارد. در این مدل چون متغیرهای سن، جنسیت، وضعیت اشتغال و وضعیت تأهل با

بررسی عوامل مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد با تأکید بر عوامل اجتماعی-فرهنگی

متغیر تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردمی رابطه معناداری ندارند، در نمودار تحلیل مسیر آورده نشده‌اند و فقط از متغیرهایی استفاده شده است که رابطه معناداری با متغیر وابسته دارند.



شکل ۲. نمودار تحلیل مسیر

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که در بین دانشجویان عوامل اجتماعی، فرهنگی از قبیل اعتماد اجتماعی، پایگاه اجتماعی، انسجام اجتماعی، آگاهی شهروندی، روحیه همکاری، مسئولیت‌پذیری و روحیه جمع‌گرایی دانشجویان در تمایل آن‌ها به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد تأثیر دارد. همچنین، رابطه بین آن‌ها مستقیم است. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره، این عوامل ۴۶٪ از تغییرات تمایل دانشجویان به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد را تبیین می‌کند. باقیمانده تغییرات به عوامل دیگری نظیر ساختارهای سیاسی-اقتصادی حاکم بر جامعه بستگی دارد که به دلیل محدودیت زمان و هزینه در این تحقیق لحاظ نشده‌اند. علاوه بر این، با توجه به نمودار تحلیل مسیر (شکل ۲)، مشاهده می‌شود که از بین این عوامل متغیر اعتماد اجتماعی بیشترین اثر مستقیم و متغیر پایگاه اجتماعی کمترین اثر مستقیم را بر تمایل دانشجویان به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد دارد. از طرفی دیگر، متغیر پایگاه اجتماعی بیشترین تأثیر غیرمستقیم را بر متغیر وابسته دارد. سه عامل وضعیت اشتغال، جنسیت و سن دانشجویان تأثیری بر تمایل آنان به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد ندارند، زیرا فرض H_0 در مورد آنان رد شده است. عدم وجود رابطه بین سه متغیر وضعیت اشتغال، جنس و سن با متغیر تمایل به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد دلیلی بر مغایرت نتایج این تحقیق با نظریه‌های لپیست و سایر صاحب‌نظران در این حوزه نیست، زیرا جامعه آماری این تحقیق دانشجویان است که از نظر سنی تقریباً همگن‌اند (جوان‌ترین پاسخگو ۱۹ ساله و مسن‌ترین ۴۶ ساله). همچنین، اکثر آن‌ها بیکار بودند. در

مطالعات میان فرهنگی

مورد متغیر جنسیت نیز می‌توان گفت از آنجا که معمولاً سطح تحصیلات مردان بالاتر از زنان است و مردان بیش از زنان در بیرون از خانه مشغول به کارند، بنابراین احتمال مشارکت آنان نیز بیشتر خواهد بود. ولی در این تحقیق این تفاوت‌ها بین زن و مرد وجود ندارد، زیرا تقریباً همه آنها دارای تحصیلات و وضعیت اشتغال مشابه بودند. بنابراین، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که جنسیت به طور مستقیم متغیر تأثیرگذار در مشارکت مطرح نیست. علاوه بر این، رابطه بین وضعیت تأهل دانشجویان با میزان تمایل آنان به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد در سطح ۹۹٪ معنادار نیست ولی در سطح ۹۵٪ معنادار و همبستگی بین آنها ضعیف است.

بنابراین، می‌توان گفت ویژگی‌های فردی دانشجویان در تمایل آنان به فعالیت در تشکل‌های مردم‌نهاد نقشی ندارد و عوامل اجتماعی بیشترین تأثیر را دارند. هانتینگتون و نلسون در تحقیقات خود دو عامل آگاهی گروهی و انسجام اجتماعی را عوامل مؤثر در مشارکت معرفی کرده‌اند. از طرفی، لیپست رابطه بین پایگاه اجتماعی و مشارکت را تأیید کرده است.

استناد به نظریه‌های این اندیشمندان بر غنای علمی این پژوهش افزوده است و اعتبار یافته‌های تحقیق را بالا می‌برد. نکته مهمی که محقق طی تحقیق و مشاهدات خود به آن پی برده این است که میزان آشنایی و شناخت دانشجویان درباره تشکل‌های مردم‌نهاد همچنین سابقه فعالیت آنها در این تشکل‌ها در سطح پایین قرار داشت، به طوری که ۸۳٪ آنان سابقه هیچ گونه فعالیتی در این تشکل‌ها نداشتند. اما تمایل آنان به فعالیت در این تشکل‌ها نسبتاً زیاد است. بنابراین، عدم شناخت و آشنایی دانشجویان از تشکل‌های مردم‌نهاد یکی از دلایل فعالیت نداشتن آنها در این تشکل‌هاست.

با توجه به یافته‌ها و فرضیه‌های تحقیق، برای رشد و گسترش تشکل‌های مردم‌نهاد در جامعه می‌توان گفت مسئولان امور فرهنگی و رسانه‌ای مانند تهیه‌کنندگان برنامه‌های صدا و سیما و روزنامه‌نگاران در برنامه‌ها و نوشته‌های خود به اطلاع‌رسانی و آگاهی اجتماعی شهروندان (مخصوصاً حقوق اجتماعی، مدنی و سیاسی آنها) بیشتر توجه کنند و در این زمینه از نظرهای کارشناسان اجتماعی و پژوهشگران فعال در حوزه مشارکت و تجربه‌های سایر کشورها استفاده کنند. علاوه بر این، برنامه‌ریزان امور آموزشی و تهیه‌کنندگان کتاب‌های درسی به مسائلی از قبیل تقویت روحیه همکاری و مسئولیت‌پذیری و انجام کارهای گروهی در بین دانش‌آموزان بیشتر اهمیت دهند و سعی کنند تا حد ممکن کارهایی از قبیل برگزاری مسابقات و برگزاری اردو را به خود دانش‌آموزان واگذار کنند و خود بیشتر نقش هدایت‌کننده را به عهده داشته باشند. همچنین، با توجه به اینکه حوزه فعالیت NGOها بسیار وسیع است، توصیه می‌شود در هر یک از حوزه‌های فعالیت این تشکل‌ها، مطالعات جداگانه و به صورت عمقی جهت شناخت هر چه بیشتر آنها صورت گیرد. در پایان باید گفت اگرچه تحقیقات زیادی در زمینه NGOها در کشور صورت گرفته است ولی اغلب این تحقیقات به مقوله مشارکت در NGOها پرداخته‌اند و کمتر به عوامل مؤثر در ایجاد این تشکل‌ها و زمینه‌های شناخت و گسترش آنها پرداخته شده است. در واقع، بیشتر پژوهشگران این حوزه NGOها را بیشتر وسیله‌ای جهت تقویت مشارکت در جامعه دیده‌اند و کمتر به NGOها به منزله هدف توجه کرده‌اند.

..... بررسی عوامل مؤثر در ایجاد تشکل‌های مردم‌نهاد با تأکید بر عوامل اجتماعی-فرهنگی

منابع

- آرکلگ، استوارت. (۱۳۷۹)، چهارچوب‌های قدرت. با ترجمه مصطفی یونسی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ترنر، جان‌تان‌اچ؛ بیگلی، ال. (۱۳۷۵). پیدایش نظریه جامعه‌شناختی. ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شنای نظم. تهران: نشر نی.
- دال، رابرت (۱۳۷۹)، درباره دموکراسی. ترجمه حسن فشارکی، تهران: انتشارات شیرازه.
- دواس، دی‌ای. (۱۳۸۵)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۸)، نقش سازمان‌های غیردولتی در توسعه پایدار. تهران: انتشارات مازیار.
- شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱)، توسعه و چالش‌های زنان ایران. تهران: نشر قطره.
- کائوتری، هونین و دیگران، (۱۳۷۹)، مشارکت در توسعه. ترجمه هادی غبرائی و داوود طبایی، تهران: روش.
- گودرزی، سعید (۱۳۸۸)، کاربرد آمار در علوم اجتماعی. تهران: جامعه‌شناسان.
- لییست، سیمور مارتین (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه محمدحسین فرجاد، تهران: انتشارات توس.
- هاتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

Lewis, David (2001), The Management of Non-Governmental Development Organizations : london. First published 2001 by Routledge.

Lorgen, Christy Cannon (1998), Dancing with the state: The role of NGOs in health care and health policy. Journal of International Development: <http://onlinelibrary.wiley.com>

Nelson, Paul (2006), Policy arena the varied and conditional integration of NGOS in the aid system: NGOs and the world bank. www.interscience.wiley.com.

Parsons, Talcot; Boles, Robert (1955), Family, socialization and interaction process. NewYork : s.n.